

گزارش اجمالی

وضعیت عرضه ورق گرم

فولاد مبارکه اصفهان

اردیبهشت ۱۴۰۵

آنوش رحام

مقدمه

سندیکای تولیدکنندگان لوله و پروفیل فولادی ایران به عنوان نخستین تشکل تخصصی زنجیره فولاد کشور، با قدمتی بیش از نیم قرن و متشکل از ۳۰۰ واحد معظم صنعتی با ظرفیت تولیدی بالغ بر ۲۲ میلیون تن انواع محصولات فولادی، سهم ویژه و بی بدیلی در زنجیره فولاد و تاریخ آبادانی کشور ایفا کرده است. بخشی از این نقش آفرینی شامل تولید و تأمین بیش از ۷۴۰ هزار کیلومتر خطوط گازرسانی شهری، ۴۸ هزار کیلومتر خطوط قطور انتقال گاز و سوخت، ۷۱۵ هزار کیلومتر شبکه شریانی آبفا، و همچنین تأمین پروفیل های مورد نیاز صنعت ساختمان، پروژه های عمرانی و مگا پروژه های آبرسانی است. این صنعت شریان ساز موفق شده است کشور عزیزمان ایران را به رتبه نخست دسترسی به شبکه خطوط گازرسانی و آبفا در جهان برساند و بالاتر از کشورهای همچون آمریکا، روسیه و چین قرار دهد.

شرکت فولاد مبارکه تولید کننده انحصاری ورق گرم

شرکت فولاد مبارکه نیز به عنوان تأمین کننده اصلی ورق گرم کشور، با تولید سالانه ۱۰ میلیون تن انواع ورق گرم، سرد، گالوانیزه، رنگی و سایر گریدهای ورق، تنها تولیدکننده انحصاری ورق های زیر ۵ میلی متر بوده و تأمین کننده اصلی ورق گرم مورد نیاز صنایع لوله و پروفیل محسوب می شود. شایان ذکر است که شیوه عرضه این محصول، به ویژه ورق های ضخامت کمتر از ۵ میلی متر که عرضه کننده آن انحصاری است، همواره به دلیل تقاضای بسیار بالاتر از میزان تولید داخل، با چالش هایی از جمله رشد فزاینده قیمت مواجه بوده است. برابر مصوبات شورای رقابت، کالاهای انحصاری قابل عرضه در بورس کالا نیستند. از همین رو، شورای رقابت با هدف تنظیم بازار ورق گرم، که نهادهای تولید آن عمدتاً داخلی است، و جلوگیری از افزایش قیمت به نرخ هایی بالاتر از نرخ جهانی، فرمول تعیین قیمت پایه ورق گرم را بر اساس «قیمت ورق چین x نرخ حواله ارز تالار اول» تعیین کرده است. این قیمت به عنوان قیمت پایه در بورس کالا احراز شده و رقابت بر روی آن صورت می گیرد.

متأسفانه طی دو سال گذشته، بورس کالا و وزارت صمت برای برخی شرکت ها از جمله خودروسازان و تولیدکنندگان ورق سرد، عرضه های اختصاصی ترتیب داده و عمق عرضه عمومی ورق گرم را با کسر عرضه های اختصاصی از ۳۵۰ هزار تن به ۲۵۰ هزار تن کاهش داده اند؛ اقدامی که نمونه ای از سیاست گذاری غلط بوده و موجب ایجاد رقابت های کاذب در بورس کالا شده است.

طرح مسأله: بورس کالا؛ مرجع کشف قیمت یا نظام توزیع؟

از سال ۱۳۹۷ و در شرایط بحرانی کشور، به دلیل فقدان سازوکار توزیع قابل اتکا و نبود سامانه‌های کنترل و توزیع لجستیک در وزارت صمت، بورس کالا علاوه بر وظیفه ذاتی خود یعنی کشف قیمت، عملاً به مرجع قیمت‌گذاری و توزیع کالاهای پایه تبدیل شد. در کنار این سازوکار، سامانه بهین‌یاب وزارت صمت، که داده‌های سهمیه‌بندی مواد اولیه صنایع در آن بر اساس روش‌های غیرشفاف و غیراستاندارد تجمیع شده و تقریباً منسوخ بود، به‌عنوان داده پایه بورس کالا مورد استفاده قرار گرفت. از آنجا که بورس کالا نماد شفافیت و رقابت تلقی می‌شد، فشار دستگاه‌های نظارتی بر دولت کاهش یافت.

بورس کالا، فولاد مبارکه و مدیریت بازار

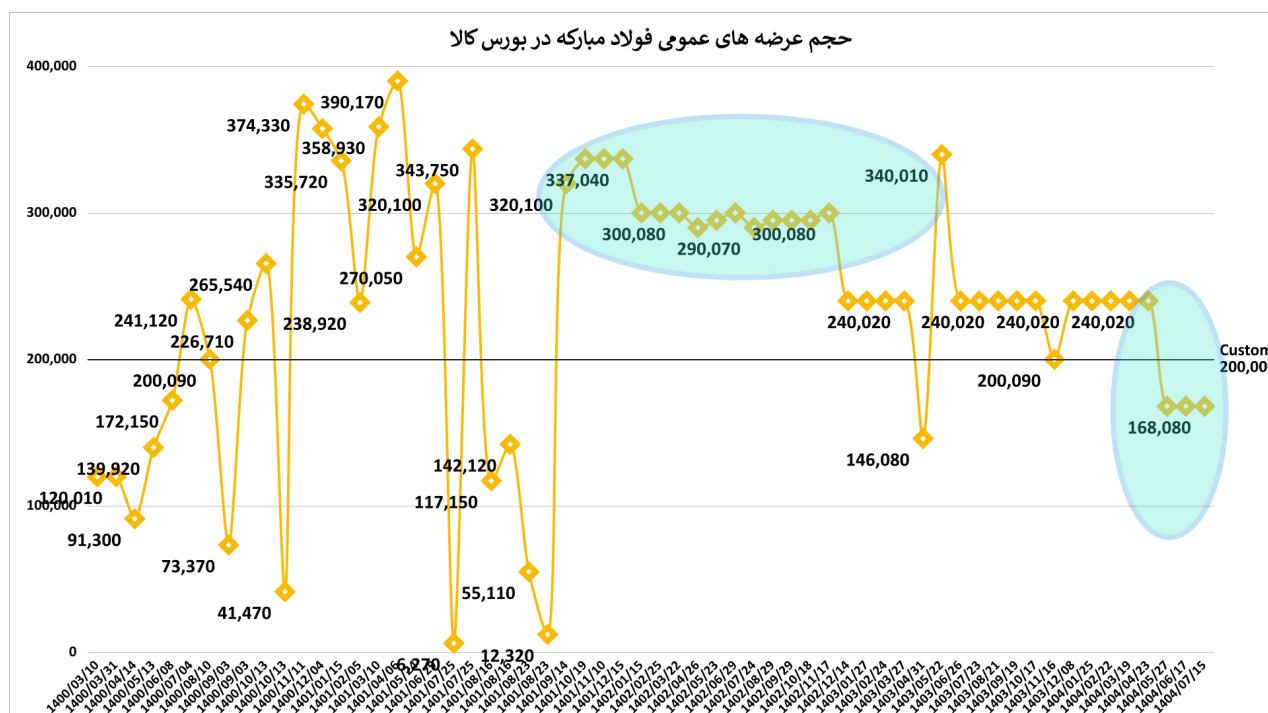
آنچه موجب نقد صنایع پایین‌دست، که بیشترین سهم ارزش افزوده را در زنجیره و GDP کشور دارند، شده، قدرت مهندسی و مدیریت بازار توسط تولیدکنندگان بالادست و صنایع مادر است. سهام این شرکت‌ها عمدتاً در اختیار دولت، سازمان‌های توسعه‌ای مانند ایمیدرو و صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی است. رویکرد سودسازی صرف در این ترکیب سهامداری، چالشی جدی ایجاد کرده و صنایع پایین‌دست که باید تکمیل‌کننده زنجیره ارزش با سود معقول باشند، همواره بهای مواد اولیه را با سازوکار بورس و ابزار رقابت، که در کالاهای انحصاری به دلیل تقاضای چندبرابری نسبت به عرضه، رقابت‌های کاذب ایجاد می‌کند، تا آستانه قیمت‌های جهانی و بر اساس نرخ ارز نزدیک به بازار آزاد پرداخت می‌کنند. از سوی دیگر، شرکت‌های بالادست با علم به این رقابت، نرخ پایه را بر اساس دلار تالار اول تعیین کرده و با اطمینان از رقابت‌های شدید، در جلسات دولتی مدعی عرضه کالا با نرخ نازل می‌شوند؛ در حالی که محصول فولاد مبارکه عملاً به نحوی قیمت‌گذاری می‌شود که با رقابت، به نرخ تمام‌شده ورق وارداتی و حتی بالاتر از نرخ جهانی می‌رسد.

مسأله جرم‌انگاری عرضه خارج از شبکه

بخش بزرگی از صنایع کوچک و خدماتی کشور به دلیل پیچیدگی‌های مالی و بروکراسی سنگین بورس کالا، امکان ورود به رقابت‌های بورسی را ندارند. عدم توجه سیاست‌گذار به این بخش موجب شده مواد اولیه موردنیاز این صنایع از طریق برخی خریداران ورق در بورس کالا تأمین شود و بخشی از این مواد به صنایع خرد برسد. این در حالی است که این مواد اولیه در نهایت در جریان تولید مصرف شده و در تولید ناخالص داخلی سهم دارند. اما سیاست‌های «وال‌مارت‌گونه» عرضه کالاهای پایه در بورس کالا و فشار شدید صنایع بالادست، موجب شده بسیاری از تولیدی‌های کوچک‌مقیاس محلی به دلیل عدم دسترسی آسان به مواد اولیه، در معرض تعطیلی قرار گیرند. گزاره‌هایی که تحت عنوان «فروش خارج از شبکه» در حال جرم‌انگاری است، در واقع بخشی از همین صنایع کوچک است که در سایه سیاست‌های غلط به حاشیه رانده شده و اشتغال مرتبط با آن‌ها در حال از بین رفتن است.

مسأله مدیریت عرضه و تقاضا و قیمت سازی

پیش از دولت شهید رئیسی، شرکت فولاد مبارکه عرضه های نامنظمی در بورس کالا داشت که تکافوی نیاز بازار را نمی کرد و عرضه قطره چکانی موجب عطش بازار می شد. با آغاز دولت شهید رئیسی، مسئولان وقت معاونت معدنی وزارت صمت با همکاری سندیکا به عنوان بزرگترین متقاضی ورق، نیاز بازار را به طور دقیق احصا کرده و رقم ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تن ماهانه تعیین شد. به درخواست سندیکا و برای جبران کمبود بازار، سود بازرگانی ورق کاهش یافت و مقرر شد فولاد مبارکه عرضه های تلفیقی ۴۵۰ و ۳۵۰ هزار تنی شامل ۳۲۰ هزار تن محصول تولیدی و مابقی از محل واردات انجام دهد. این اقدام موجب تعادل بازار، افزایش جذب ورق توسط واحدها و ثبت بیشترین صادرات محصول لوله و پروفیل با بازگشت ۹۰ درصدی ارز شد.



مبارکه و بورس کالا مهندسی بازار

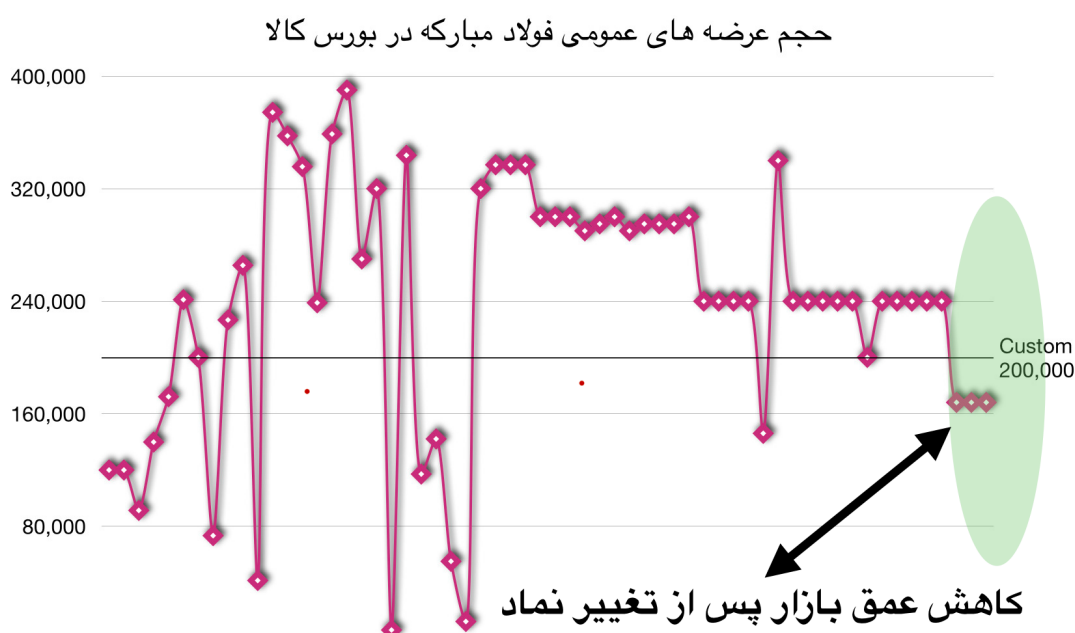
یکی از شکایات جدی واحدهای تولیدی پایین دست، شرایط عرضه‌ها در بورس کالا است. فولاد مبارکه به عنوان عرضه کننده انحصاری، از طریق شبکه سهامداری شرکت‌های زیرمجموعه خود مانند «متیل» و کارگزاری «مبین سرمایه»، بیشترین سهم خرید را در عرضه‌های بورسی دارد؛ وضعیتی که مصداق تعارض منافع است:

✓ محل عرضه: بورس کالا (سهامدار عمده: فولاد مبارکه)

✓ عرضه کننده: فولاد مبارکه

✓ کارگزار خرید: مبین سرمایه (وابسته به مبارکه)

این شبکه با استفاده از سرویس‌سنترها و ابزارهای مختلف، در مواقع کاهش تقاضا، با ارسال تقاضای مصنوعی، رقابت را تا آستانه قیمت جهانی و نرخ ارز حاشیه بازار افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، فولاد مبارکه با تعیین شرایط عرضه (نقدی/اعتباری) در فاصله چند ساعت مانده به عرضه، اقدام به بازسازی می‌کند. این در حالی است که در ستاد کالای پایه وزارت صمت مقرر شده بود شرایط عرضه با توافق خریدار (سندیکا) تعیین شود، اما فولاد مبارکه جز در موارد معدود، هیچ‌گونه توافقی انجام نداده و شرایط عرضه را صرفاً بر اساس منافع خود تنظیم کرده است. در عرضه اخیر، به دلیل تقاضای محدود ناشی از شرایط جنگ ۱۲ روزه، محصول مبارکه با قیمت کف معامله شد. اما در عرضه بعدی، این شرکت با تفکیک نمادهای HC و HB و کاهش عمق بازار به ۱۲۰ هزار تن، قیمت ورق گرم را ۳۰ درصد نسبت به قیمت پایه افزایش داد که این افزایش در زنجیره تولید به ۴۵ درصد رسید.

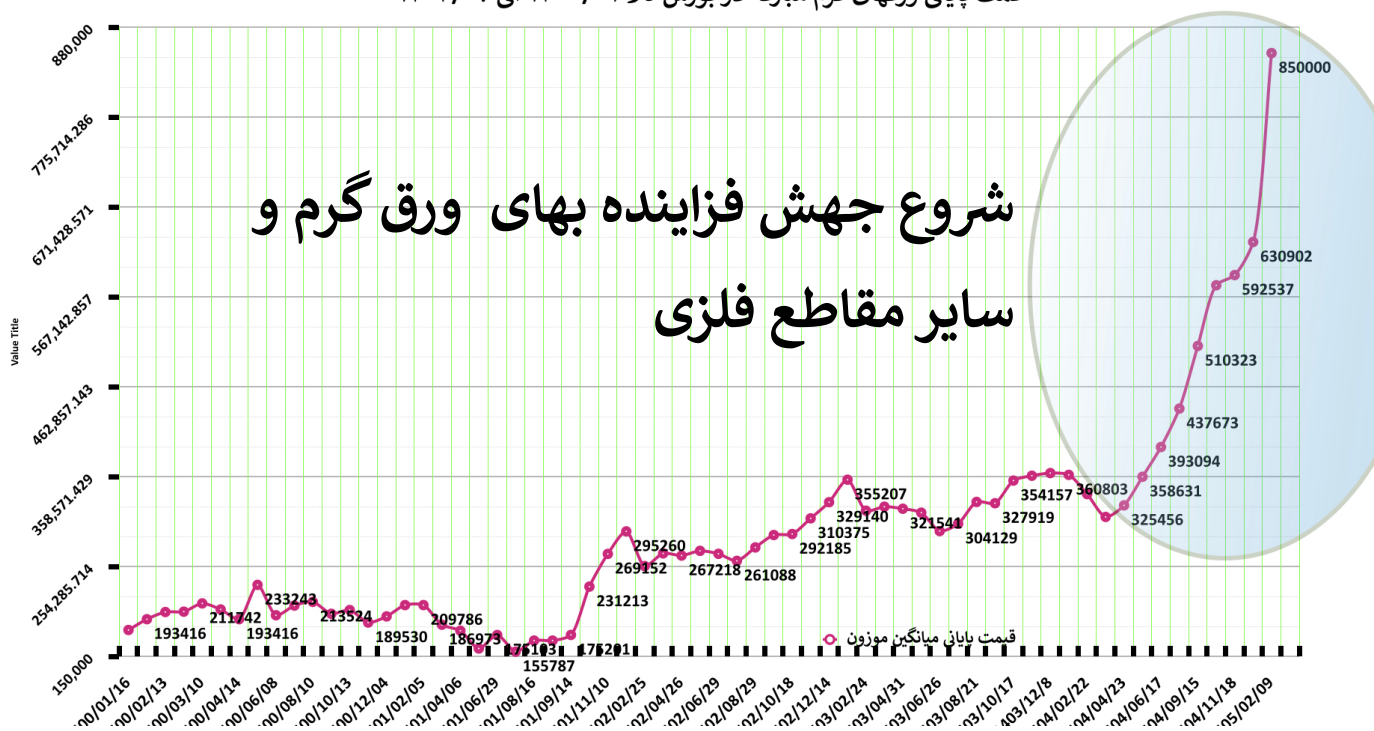


تغییر قیمت پایه بر اساس نرخ تالار دوم ارزی

سال گذشته، در شرایطی که کلیه محصولات صادراتی لوله و پروفیل ملزم به عرضه ارز حاصل از صادرات در تالار اول بودند، فولاد مبارکه بدون مصوبه شورای رقابت و با فشار به وزارتخانه، درخواست تعیین قیمت پایه ورق بر اساس نرخ دلار تالار دوم را مطرح کرد و موفق به اخذ مصوبه از کالای پایه شد. نرخ ارز تالار دوم بالاترین نرخ محاسباتی دولت است و تعیین قیمت پایه بر اساس آن، موجب می‌شود هر یک درصد رقابت، قیمت ورق را به نرخ‌های نزدیک به بازار آزاد برساند.

سندیکا درخواست تعیین سقف رقابت برای این کالای انحصاری را مطرح کرد، اما معاونت معدنی و بورس کالا با هدف تأمین منافع حداکثری فولاد مبارکه، از تعیین سقف رقابت خودداری کردند. این موضوع موجب جهش فزاینده قیمت ورق در شش ماه گذشته شده است.

قیمت پایانی ورقهای گرم مبارکه در بورس کالا ۱۴۰۰/۰۱ الی ۱۴۰۴/۰۷



در نهایت، فولاد مبارکه در اسفندماه سال جاری، ورق گرم را با بالاترین قیمت ۶۰,۳۰۰ تومان عرضه کرد. با عرضه ماه جاری قیمت ورق مشمول ۳۵ درصد افزایش نسبت به اسفند ۱۴۰۴ شده است.

حمله به زیرساخت‌های فولاد مبارکه

پیرو حمله اخیر دشمن آمریکایی، صهیونیستی به زیرساخت‌های صنعتی کشور و آسیب واردشده به بخشی از تأسیسات فولاد مبارکه، با توجه به جایگاه انحصاری و راهبردی این شرکت در تأمین ورق گرم موردنیاز بیش از ۷۰۰ واحد تولیدی و وابستگی اشتغال مستقیم و غیرمستقیم حدود ۲۰۰ هزار نفر به استمرار تولید و عرضه آن، نگرانی‌های جدی در خصوص ایفای تعهدات این شرکت ایجاد شده است.

نقض تعهد توسط فولاد مبارکه

برخی تدابیر ستاد تنظیم بازار، علاوه بر ایرادات قانونی، موجب بحران انفجار قیمتی و اختلال در زنجیره تأمین صنایع فولادی خواهد شد. در مصوبه شماره م/۲۴۸۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۶، بدون توجه به الزامات حقوقی قراردادهای سلف قطعی بورس کالا و به درخواست فولاد مبارکه، مقرر شده بخشی از مبلغ قراردادهای بهمن و اسفند به نرخ جدید دریافت شود. انتشار این بند موجب ارسال سیگنال افزایش قیمت و رشد نرخ ورق از ۶۳,۰۰۰ تومان به ۱۲۷,۰۰۰ تومان شده است؛ افزایشی ۱۰۰ درصدی که قیمت مقاطع تخت و طویل را تا آستانه ۱۴۵,۰۰۰ تومان رسانده است. این در حالی است که برخی مراکز خدماتی وابسته به فولاد مبارکه اقدام به فروش ورق گرم ۱۴۵ هزار تومانی کرده‌اند و صنایع بالادست نیز در این قیمت‌سازی نقش داشته‌اند. جهش ۶۰ درصدی قیمت ورق و اثر دومینویی آن در عرضه جاری، ورق با قیمت ۸۵,۰۰۰ تومان کشف شده و با هزینه‌های جانبی با نرخ ۱۰۰,۰۰۰ تومان به صنایع پایین‌دست رسیده است. این موضوع موجب جهش ۶۰ درصدی قیمت ورق و تسری آن به تمامی کالاهای پایه شده و انفجار دومینویی قیمت در کالاهای نهایی را رقم خواهد زد.

الزامات قانونی قراردادهای سلف و آثار حقوقی فورس‌ماژور

معاملات بخش خصوصی در بورس کالا بر اساس قوانین معاملات بورس و به‌صورت نقدی/اعتباری منعقد می‌شود. وجوه نقدی و ال‌سی توسط شبکه بانکی دریافت شده و قراردادهای مؤثر و لازم‌الاجرا هستند. هرگونه تغییر یک‌جانبه در مفاد قراردادهای، به‌ویژه قیمت کشف‌شده، فاقد وجاهت قانونی و از مصادیق تضییع حقوق عامه است. مطابق مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی، تحقق فورس‌ماژور صرفاً موجب معافیت از خسارت است و اصل تعهد را ساقط نمی‌کند، مگر آنکه اجرای تعهد غیرممکن شود. با توجه به استمرار امکان تولید و تأمین کالا توسط فولاد مبارکه، تعهدات عرضه‌های بهمن و اسفند ۱۴۰۴ همچنان برقرار است. بنابراین، هرگونه اقدام احتمالی فولاد مبارکه برای تغییر قیمت کالاهای فروخته‌شده، فاقد مبنای قانونی و مغایر مقررات بورس کالا بوده و موجب خدشه به اعتماد فعالان بازار و تضییع حقوق عامه خواهد بود.

جمع‌بندی و درخواست

این تشکل با درک شرایط خاص کشور، آمادگی خود را برای استمهال مدت تحویل و همکاری در تنظیم زمان‌بندی جدید اعلام می‌نماید. با این حال، با توجه به اصل ممنوعیت مطلق تغییر قیمت قراردادهای قطعی، هیچ مرجعی اختیار تعدیل، افزایش قیمت یا فسخ معاملات را ندارد. اقدام فولاد مبارکه و مصوبه اخیر ستاد تنظیم بازار، بدعت‌گذاری جدید و از مصادیق تضییع حقوق عامه است. از این رو، استدعا دارد دستور فرمایید از هرگونه تغییر در معاملات تأیید‌شده بورس کالا از طریق ظرفیت‌های ستاد تنظیم بازار و با توسل به فضای هیجانی و نوسانات روانی بازار جلوگیری شده و اصلاح مصوبه مذکور در دستور کار قرار گیرد.